

چرا #رهبری هیچ کاری نمی‌کند؟

این نوشته از حوصله یک مطلب تلگرامی خارج است، اما اگر قبلاً محتوای آن را نخوانده‌اید، وقت بگذارید و بخوانید.

از بحث‌های همیشگی بخشی از قشر #حزب_اللهی، وظایف و عملکرد #رهبری در حوزه‌های گوناگون است. فهم نسبتاً رایجی که بین قشر جوان حزب‌اللهی و #مذهبی سنتی دیده می‌شود، پوشاندن #ضعف #تحلیل و #عمل_سیاسی خود، با اعمال رهبری در آن حوزه است. در این دو سال بارها شنیدیم که اگر رهبری با #مذاکرات مخالف است، پس چرا اجازه مذاکره داده است یا اگر #هاشمی رفسنجانی در هر حال یا #جاهل است یا #خائن، چرا عزل نمی‌شود؟ امروز بزرگواری سوالی در همین سیاق از بنده پرسیدند که یاد پاسخ‌های رهبری به برخی سوالات این دوست بزرگوار افتادم. پاسخ‌هایی که ۱۴ سال پیش به این سوالات داده شدند و هنوز روی زمین مانده‌اند. بحث‌های نظری و جامعه‌شناختی به این پرسش باشد برای بعد. اما اجازه بدهید شش مطلب را با شخص رهبری مطرح کنیم و بعد پاسخ ایشان را بشنویم:

۱. «اصل #جمهوری یعنی جابجایی مرتب و مکرر مدیران کشور و #جامعه_مدنی یعنی نقد و انتقاد مداوم برنامه‌های حکومت و #انقلاب یعنی تأمین و تضمین خواسته‌های ملت که مع‌الاسف امروز واقعیت غیر از اینها است. هنگامی که از وعده‌ها و قول و قرارهای اول انقلاب یاد می‌آورم، همچون بید بر سر ایمان خویش می‌لرزیم. از اینکه می‌شنوم تعدادی از آقا‌زادگان و از ما بهتران که بعضاً خرقه‌پوش و دستاربند هم هستند، در سبقت از #سرمایه و #ثروت کشور در راه اهداف خویش با یکدیگر رقابت گذاشته‌اند، به یاد می‌آورم که ای بسا خرقه که مستوجب آتش باشد. آنها که اموال مردم را به غارت می‌برند، آری برای آنان که بیت‌المال مسلمین را از خود و کشور را ملک طلق و ثروت موروثی خویش می‌پندارند، عرق شرم می‌ریزم. اذا اردنا ان نهلك قریه امرنا مترفیها ففسقوا فیها.»
۲. «از سر #غیرت و #درد می‌پرسم تکلیف این همه کاستی و ناراستی و قصور و فتور و فقر و فاقه عصیان و نقصان و تکاثر و تفاخر و زراندوزی و مردم‌سوزی و تبعیض چیست؟ تاکی برای مردم تکراری سخن بگوییم و مرتب کنفرانس و جلسه و میتینگ برگزار کنیم و از قوت لایموت #ملت دردمند و محتاج و مستمند، لقمه سفره‌های #اشرافی و طاغوتی خود گردانیم و از جیب ملت نجیب به اطرافیان و نورچشمی‌ها حاتم‌بخشی کنیم و هزینه سفرهای #سیاسی و خاقانی و قاآخی و تبلیغاتی و بی‌خاصیت خود را بر مردم محروم و به تعبیر حضرت امام طاب ثراه پای برهنه تحمیل کنیم!»
۳. «در برابر این همه #انحراف و #اجحاف و قانون‌شکنی؟ تغافل و تجاهل و تساهل تا چند؟ اکنون که #شاه و #آمریکا در این کشور تسلط ندارند که مضایق و معایب و مشکلات را متوجه آنها بدانیم، چرا به انتقادات دلسوزانه گوش نمی‌دهند؟ چرا از استعدادها و مغزها کمتر استفاده می‌کنند؟»
۴. «مصیبت عظمای #دین_گریزی و سرخوردگی و #بیکاری و #تورم و #گرانی و شکاف جهنمی فقر و غنا و فاصله عمیق و روز افزون طبقاتی و #رکود و سقوط درآمد ملی و #اقتصاد بیمار و فساد اداری و ضعف شدید مدیریتی و نقص فزاینده ساختار سیاسی کشور و #اختلاس و #ارتشاء و #اعتیاد و عدم چاره‌اندیشی #کارآمد تبعات وجیع و فجیعی دارد که همچون سیل بنیان برانداز پشت سد ایستاده و هر لحظه کیان کشور و حیات ملت را تهدید می‌کند.»

۵. «شعبان بی‌مخ‌های وحشت و رهبت که با هتاک و سفاکی ننگ عنیف و معیف کوی دانشگاه را آفریدن و با تهاجم حیوانی مرتع دانشگاه را چریدند و با تعرضات شنیع پرده ناموس فرهنگ و علم را دریدند و در قتل‌های زنجیره‌ای مظلومان بی‌گناه و قربانیان بی‌پناه لعنت سرمدی خدا و نفرت ابدی خلق را خریدند. الذین اتخذوا دینهم لعباً و لهواً و عزت‌هم الحیوه الدنیا.»

این ۵ مورد ۵ بخش از نامه‌ی ۱۴ سال پیش مرحوم #طاهری، امام جمعه اصفهان، به رهبری بود. نامه‌ای که مشکلاتی که در آن مطرح شده، شباهت بسیاری به مسائل کلان امروز نظام دارد و بدابه‌حال مایی که هنوز مشکلات ۱۴ سال پیش مملکتمان پابرجاست. البته مرحوم طاهری داستانی دورودراز می‌گوید که بعد آه سر بدهد از حصر مرحوم #منتظری و بعد هم به نشانه اعتراض از امامت جمعه اصفهان کناره‌گیری می‌کند؛ احتمالاً با خیال باطلی که این وسط کسی مثل سید علی خامنه‌ای را بلرزاند یا تحت فشار قرار دهد. اما پاسخ رهبری چه بود؟ بر ۵ بخش از نامه‌ای که #توکلی و #کرامت در آن موج می‌زند و گویی برای امروز ما نوشته شده است، مروری داشته باشیم:

۱. «اینها مطالب حقی است که اینجانب در چند سال اخیر بارها در اجتماعات عمومی و نیز در دیدار مسئولان ذیربط درباره‌ی آن هشدار داده و #بسیج همه‌ی امکانات را برای مبارزه با #فقر و #فساد و #تبعیض از همه خواسته‌ام. اکنون هم معتقدم جز با جهادی مخلصانه و برخاسته از احساس درد و احساس خطر، این شجره‌های ملعونه قلع نمی‌شود و این محتاج همکاری و همصدایی همه بخصوص صاحبان موقعیتهای حکومتی و اجتماعی است. یقیناً از جنابعالی که سوابق ممتدی در انقلاب دارید بیشتر از خلیها انتظار و توقع داشته و دارم و اکنون که طبق این اعلامیه به این فکر افتاده‌اید آن را به فال نیک میگیرم. امروزه برای رفع مشکلات مردم سه امر محوری وجود دارد، یکی #تولید_کار و اشتغال برای نسل جوان پر استعداد و پر شمار این کشور است که مشکلات زندگی را از دوش بخش مهمی از مردم ما بر میدارد، دوم #مبارزه_با_فساد_اقتصادی در دستگاهها است که اگر عزم همگانی بر آن قرار نگیرد همه‌ی تلاشهای دولت کنونی و دولت‌های قبلی را خنثی و دستاوردهای نظام مقدس ما را ضایع میسازد و فاصله طبقاتی را عمیق و منابع محدود ملی را به خورد متجاوزان به حقوق ملت میدهد. سوم و از همه مهمتر #وحدت_ملی و یکصدایی مسئولان و خواص است که اگر مخدوش شود هیچ حرکت سازنده به سامان نمیرسد.»

۲. «از همین رو، روزی که اطلاعیه‌ی منسوب به جنابعالی صادر شده ضدانقلاب که در زیر سایه‌ی #آمریکا و #اسرائیل با پول آنها زندگی و تغذیه میکند بیشترین سوءاستفاده را از آن کردند و آن را مقابله با سیاستهای #امام راحل و نفی و رفض #نظام_اسلامی و شعارهای آن وانمود کردند. البته بنده با سابقه‌ی رفاقت و آشنایی با جنابعالی و اطلاع از سوابق ممتدتان در انقلاب و نیز اطلاع از محبتی که همواره نسبت به اینجانب ابراز کرده‌اید چنین برداشتی نمیکنم ولی کسانی که سخن شیطان را باور کنند و فریب آن را بخورند نیز وجود دارند.»

۳. «در باب #فساد_اقتصادی خوب است همه از اطرافیان و منسوبان خویشاوندی و شخصیتی خود شروع کنند. فساد را فقط در اشخاص دور دست نبینند، بلکه در نزدیکان خود و اشخاص ظاهراً مورد اعتماد خود هم آن را حس و با آن مبارزه کنند. بالای گرفتاری در مُشت اطرافیان نامطمئن موجب شد که یکی از یاران و شاگردان نزدیک امام در اواخر عمر آن یگانه‌ی زمان، مطرود ایشان واقع شود و او را از دخالت در امور سیاسی منع شرعی کنند و باز اگر آن شخص به این تصمیم و اخطار حکیمانه‌ی استاد و مراد خود عمل میکرد یقیناً مشکلات بعدی را برای خود و کشور به وجود نمی‌آورد.»

۴. «اینجانب جفای به خودم را فراموش میکنم اما همه باید از امام راحل عظیم خود آموخته باشیم که جفای به ملت و تلاش برای سست کردن بنیان نظام اسلامی قابل بخشش نیست.»

۵. «در پایان از مردم عزیز و وفادار و مردان و زنان مؤمن و غیور اصفهانی و بخصوص از فرزندان انقلابییم میخواهم که همه‌ی سعی خود را در حفظ آرامش شهر و محیط نماز جمعه‌ی اصفهان بکار برند و از هر شعار و حرکتی که موجب تشنج و اختلاف و دودستگی شود جداً پرهیز کند. بیشک یکی از مهمترین هدفهای دشمن ایجاد هرج و مرج و آشفتگی و درگیری میان اقشار ملت است. با کمال هوشیاری از تحقق این دشمنان زبون و ابله و پلید، جلوگیری کنید.»

این ۵ بخش و البته کل پاسخ متین رهبری به ایشان در شرایط ناآرامی که دولت خاتمی در اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ ایجاد کرده بود، برای امروز ما درس‌های بسیاری دارد. حداقل این است که من #حزب_اللهمی این نامه را مرور کرده باشم که احیاناً هم برای سوالات خودم و حتماً برای سوالات اطرافیان، پاسخی متقن داشته باشم. در باب این گفتگوی مکتوب حرف‌هایی هست که هر خواننده‌ی منصفی به آن پی می‌برد و می‌تواند آن را با شرایط امروز کشور تطبیق دهد.

نظر شما چیست؟ به آن سه #سوال فکر کردید؟

آیا شما احتمال می‌دهید که هاشمی رفسنجانی به فکر نوشتن نامه‌ای با همین فضا به رهبری انقلاب باشد؟ در این صورت و با فرض صدور پاسخ از طرف رهبری بر خلاف سال ۱۳۸۸، رهبری به جز در مواردی که جدیداً در فضای سیاسی کشور روند شده است، چه چیزی جز مسائل بالا برای در میان گذاشتن با ملت دارند؟ کم کم به این سوالات هم خواهیم رسید.

۱ پیوست ۱: نامه آیت‌الله طاهری در استعفا از امامت جمعه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين الحمد لله رب العالمين و صلوات الله و سلامه على الانبياء و المرسلين خص على خاتمهم و اشرفهم الذي قيل في شأنه لولاك لما خلقت الافلاك و على وصيه و خليفته على امير المؤمنين و الائمه المعصومين من ولده بالاخص خاتمهم الذي به الله العرض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً.

از دیرباز تاکنون می‌خواستیم مطالبی را به طور اختصار به ملت شریف و سرافراز تقدیم کنیم.

غرض از نوشتن این اوراق، هرگز نخواسته و نمی‌خواهم ملت عزیز و صبور را مأیوس و ناامید کرده باشم. اما هرگز نمی‌توانم چشمم را بر واقعیات ملموس و حقایق محسوس ببندم و شاهد درد نفس‌گیر و رنج طاقت فرسای مردم باشم. مردمی که گل‌های فضیلت را پایمال می‌بینند و افول ارزش‌ها و زوال معنویت‌ها را می‌نگرند.

جمهوری اسلامی که ثمره خون پاک فرزندان غیور ملت سلحشور و مسلمان ایران است و هنوز بسیاری از خانواده‌ها منتظر جنازه فرزندان شهید خود هستند، با وعده حکومت عدل علی علیه‌السلام استقرار یافت تا ملت به نوایی و کشور به جایی برسد و البته ملت سامان نمی‌پذیرد و ملک اصلاح نمی‌شود مگر به جمله کوتاه پیامبر گرامی اسلام که می‌فرماید: صفان من امتی اذا صلحا صلحت امتی و اذا فسداً امتی. قيل يا رسول الله و من هما؟ قال الفقها و الامراء (خصال جلد ۱، صفحه ۳۷) دو دسته از امت هستند که اگر اصلاح

شوند، امت من اصلاح می‌شوند و اگر فاسد شوند، جامعه اسلامی فاسد می‌شوند. پرسیدند ای پیامبر خدا این دو صنف چه کسانی هستند؟ فرمود: دانشمندان دینی و حاکمان.

اصل جمهوری یعنی جابجایی مرتب و مکرر مدیران کشور و جامعه مدنی یعنی نقد و انتقاد مداوم برنامه‌های حکومت و انقلاب یعنی تأمین و تضمین خواسته‌های ملت که مع‌الاسف امروز واقعیت غیر از اینها است. مصلحت کشور بعید است و آزادی که این سالها هر دو را به مسلخ و مقتل می‌بینیم. هنگامی که از وعده‌ها و قول و قرارهای اول انقلاب یاد می‌آورم، همچون بید بر سر ایمان خویش می‌لرزم. من عمرم را آفتاب لب بام می‌بینم، آردم را بیخته و غربالم را آویخته‌ام، اما از اینکه می‌شنوم تعدادی از آفاضگان و از ما بهتران که بعضاً خرقة پوش و دستار بند هم هستند، در سبقت از سرمایه و ثروت کشور در راه اهداف خویش با یکدیگر رقابت گذاشته‌اند، به یاد می‌آورم که ای بسا خرقة که مستوجب آتش باشد. آنها که اموال مردم را به غارت می‌برند، آری برای آنان که بیت‌المال مسلمین را از خود و کشور را ملک طلق و ثروت موروثی خویش می‌پندارند، عرق شرم می‌ریزم. ادا اردنا ان نهلك قریه امرنا مترقیها ففسقوا فیها.

آیا این بود آنچه را با مستضعفین پیمان بستیم؟

ایهات و هیهات! هزار وعده خوبان یکی وفا نکند. حقیر که مثل همگان سهم بسیار ناچیزی در انقلاب و تداوم آن داشته‌ام، خود را مکلف می‌دانم و از سر غیرت و درد می‌پرسم تکلیف این همه کاستی و ناراستی و قصور و فتور و فقر و فاقه عصیان و نقصان و تکاثر و تفاخر و زراندوزی و مردم‌سوزی و تبعیض چیست؟ تاکی برای مردم تکراری سخن بگوییم و مرتب کنفرانس و جلسه و میتینگ برگزار کنیم و از قوت لایموت ملت دردمند و محتاج و مستمند، لقمه سفره‌های اشرافی و طاغوتی خود گردانیم و از جیب ملت نجیب به اطرافیان و نورچشمی‌ها حاتم‌بخشی کنیم و هزینه سفرهای سیاسی و خاقانی و قاآخی و تبلیغاتی و بی‌خاصیت خود را بر مردم محروم و به تعبیر حضرت امام طاب ثراه پای برهنه تحمیل کنیم! چه می‌گوییم؟

در برابر این همه انحراف و اجحاف و قانون‌شکنی؟ تغافل و تجاهل و تساهل تا چند؟ اکنون که شاه و آمریکا در این کشور تسلط ندارند که مضایق و معایب و مشکلات را متوجه آنها بدانیم، چرا به انتقادات دلسوزانه گوش نمی‌دهند؟ چرا از استعدادها و مغزها کمتر استفاده می‌کنند؟ مگر پیامبر مکرم و نبی معظم اسلام صلوات‌الله و سلامه علیه نفرمود: من اصبح ولا یتهم بامور المسلمین فلیس بمسلم.

مصیبت عظمای دین‌گریزی و سرخوردگی و بیکاری و تورم و گرانی و شکاف جهنمی فقر و غنا و فاصله عمیق و روز افزون طبقاتی و رکود و سقوط درآمد ملی و اقتصاد بیمار و فساد اداری و ضعف شدید مدیریتی و نقص فزاینده ساختار سیاسی کشور و اختلاس و ارتشاء و اعتیاد و عدم چاره‌اندیشی کارآمد تبعات وجیع و فجیعی دارد که همچون سیل بنیان برانداز پشت سد ایستاده و هر لحظه کیان کشور و حیات ملت را تهدید می‌کند. واتقوا فتنه لاتصیبین الذین ظلمو امنکم خاصه (آتش که گرفت خشک و تر می‌سوزد) لاف زدن و گزاف گفتن و تزویر نمودن و حریم خصوصی افراد را شکستن و تصفیه حساب خصوصی و سیاسی نمودن و آب در شیر کردن و به سخنان کلیشه‌ای دلخوش بودن و از جمعیت‌های خیابانی سان دیدن، تاکنون نتوانسته است از حجم انبوه مشکلات و معضلات بکاهد و افسرده‌ای را با مرهمی بنوازد و یا آبی بر اضطرابی بیفشاند و جامی به تشنه کامی پچشاند و نانی به خسته جانی برساند. عدم تعهد به قانون و حضور نهادهای غیرمدنی نامسئول، باندهای مافیایی و خلع یدمجلس و وجود اهرم‌های مطلقه نامتناهی و مادام‌العمر نامحدود و قدرت‌های بادآورده رویین‌تن غیر پاسخگو و سیاستگذاری‌های خارجی بعضاً ناموفق و بنیادهای مرئی و بنگاه‌های نامرئی غیراقتصادی

و تجاری و اسکله‌های غیردولتی نامتعارف و رانت‌خواری و یغماگری و فراری دادن مغزها و بگیر و ببندها و حصر و حبس‌های نامألوف و باب شدن چنگیزی و مردم‌ستیزی و قانون‌گریزی و ایزوله کردن ارباب فکر و اندیشه و اسیر کردن منتقدان و ذبح نامطبوع مطبوعات و حبس نامشروع اصحاب نشریات و نظارت جناحی ناصواب و نامعقول استصوابی و دادگاه نامقبول روحانیت و فلج کردن دولت و بافت نامطلوب شورای مصلحت و مردم را هیچ انگاشتن و بر شیپور قدرت دمیدن و کشور را بر بال باد گذاشتن، سرانجامی نامیمون دارد که از نکبت و شقوت آن به خدای بزرگ پناه می‌برم. آنان که بر شتر چموش قدرت سوارند و در میدان سیاست دو اسبه می‌تازند و از نردبان مقدسات و اعتقادات مردم بالا می‌روند و گردآسیاب ریاست می‌چرخند و از پل دین می‌گذرند تا به دنیا برسند متأسفانه مؤید و مشوق عده‌ای چماق به دوش و فرقه‌ای کفن پوش که دندان تمساح خشونت را تند و تیز می‌کنند و می‌خواهند عجزه تندخوی و عفریته زشت روی خشونت را به نکاح دین درآورند و امور مقدس را ملوث جلوه دهند یعنی رجاله‌ها و فاشیست‌هایی که معجونی از جهل و جنونند و بندنافشان به مراکز ثقل قدرت متصل است و مطلق العنان و افسار گسیخته‌اند و نه ملوم معاقب قضا هستند و نه محکوم معاتب قانون. هم فقیه و هم فیلسوف و هم داروغه و هم حاکم و هم مفتی و هم قاضی هستند! فعال‌مایشاء و حاکم ما یزید! ذوب شدگانی که ماست را سیاه می‌بینند! و به تعبیر زیبای قرآن «قل هل نبئکم بالآخرین اعمالاً الذین ضل سعیم فی الحیوه الدنیا و هم یحسبون انهم یحسنون صنعا» بگو ای پیامبر آیا با خبر کنم شما را به کسانی که زیانبرترین مردمند آنها که عمل خود را تباه کردند در این سرای و گمان می‌برند بهترین مردمند از لحاظ عمل!

شعبان بی‌مخ‌های وحشت و رهبت که با هتاک و سفاکی ننگ عنیف و معیف کوی دانشگاه را آفریدند و با تهاجم حیوانی مرتع دانشگاه را چریدند و با تعرضات شنیع پرده ناموس فرهنگ و علم را دریدند و در قتل‌های زنجیره‌ای مظلومان بی‌گناه و قربانیان بی‌پناه لعنت سرمدی خدا و نفرت ابدی خلق را خریدند. الذین اتخذوا دینهم لعباً و لهواً و عزتهم الحیوه الدنیا.

همان عمل‌های استبداد و چماقداران قدم به مزد نامهربان مجنون باطل اندیش و ظالم کیش که چهره بین‌المللی نظام را ملکوک و وجهه اسلامی انقلاب را مهتوک نمودند. اولئک الذین طبع الله علی قلوبهم و اتبعوا هواهم و عجب اینکه در آن دادگاه حق سوز عدالت کش به آن بردگان مفلوک دست مریزاد نیز گفتند و من لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الظالمون.

من در این سراسیمه عمرم که صدای هولناک خطوات مرگ را می‌شنوم و صاعقه مهیب تجهیزا رحمکم الله فقد نودی فیکم بالرحیل را استماع می‌کنم و مشتاقانه لقاء حق تعالی و وصال اجداد طاهرینم را انتظار می‌کشم. موضوعی را که باید در صدر مطالبم به رشته تحریر می‌کشیدم مطرح می‌کنم و می‌پرسم حصر فقیه‌ی وزین و مجاهدی نستوه و مرجعی مبارز که ثانی‌اتین انقلاب و از اساطین نظام و اوتاد حوزه و اعظم فقه و افخم کشور است با کدام عقل و نقل و آیه و حدیث و عرف و شرع و سیاست قابل توجیه است؟ سوابق مستحسن و مدارج علمی چه فقیه و مرجعی همسنگ حضرت آیت‌الله منتظری مدظله است؟

معظم‌له نیمی از حوزه است و حوزه نیمی از اسلام و براین شناخت بود که رهبر فقید و عظیم‌الشأن انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خمینی قدس سره القدوسی گرما بخشیدن به نظام و حوزه را به ایشان توصیه فرمودند. فاجعه نامسبوق و نامسموع حصر ارتجاعی و غیرانسانی مجتهدی چون ایشان عاقبتی شوم و نتیجه‌ای مشئوم و پایانی مذموم دارد. الملک بیقی مع‌الکفر و لایبقی مع‌الظلم.

عزت و حرمت و عظمت حریم مرجعیت معظم شیعه حتی در سیاه‌ترین حکومت و فرعونی‌ترین رژیم نیز استوار و پایدار و برقرار بوده است. حوزه‌های نفوذناپذیر علمیه همیشه کهف امین مردم و مراجع عظام تقلید علی‌الدوام حبل المتین ملت و روحانیت اصیل پیوسته حصن حصین کشور و منهج حقیقت و منوار فضیلت بوده‌اند و حیات و ممات همه فقها از کلینی تا خمینی شاهد این مدعا است.

آه! شوقا الی رویته وا اسفا که امروز شاهد حبوط روحانیت و سقوط مرجعیت هستیم! دریغ و درد که دژ مستحکم و نفوذناپذیر مرجعیت شیعه به دست غوغائیان معرکه سیاست و بازیگران صحنه ریاست به سود استعمار ضربه ای جانکاه خورد و الی‌الله المشتکی.

انشاءالله ملت شریف کاستی‌ها و قصوری را که احياناً مشاهده فرمودند به حساب کهولت سن از ضعف جسمانی این پیر ارادتمند که مدام دعاگوی ملت و کشور است، بگذارند.

حقیر حدود سی سال پیش در نجف اشرف با کسب اجازه از محضر مبارک حضرت امام، رهبر کبیر انقلاب به اقامه نماز جمعه در اصفهان مجاز شدم ولی با کمال تأسف در شرایط موجود از امامت جمعه کنار می‌روم الفرار مما لایطاق من سنن المرسلین.

در پایان برادران و خواهران بزرگوام را به صبر و هوشیاری و متانت اکیداً توصیه می‌کنم و ملت و کشور مظلوم را به صاحب اصلی ولایت مولانا و صاحبنا حضرت مهدی موعود ارواحنا فداه می‌سپارم و دست همه طبقات را به رسم وفا و صفا می‌فشارم.

ای خداوند قسط و آزادی و ای پروردگار عدالت و آگاهی و ای آفریدگار قلم و اندیشه، بر کویر تفتیده و مزرعه خشکیده ما بیش از این آب شعور و باران نور بیار و رحمت واسعه خود را از این ملت بزرگ دریغ مدار. اللهم اظهر کلمه الحق و اجعلها العلیا و ادحض کلمه الباطل و اجعلها السفل انک علی کل شی قدیر و بالاجابه جدیر اللهم انا نشکو الیک فقد نبینا صلواتک علیه و آله و غیبتہ ولینا و کثره عدونا و قله عددنا و شده الفتن بنا و تظاهر الزمان علینا فصل علی محمد و اله و اعینا علی ذلک بفتح منک تعجله و بضر تکشفه و نصر تعزه و سلطان حق تظهره و رحمه منک تجلنناها و عافیة منک قلبناها برحمتک یا ارحم الراحمین

اصفهان؛ سید جلال الدین طاهری

۱۷ تیر سال ۱۳۸۱، ۲۶ ربیع‌الثانی ۱۴۲۳

۲ پیوست ۲: پاسخ رهبری به نامه مرحوم طاهری

بسم‌الله الرحمن الرحیم

جناب آیت‌الله آقای حاج سید جلال الدین طاهری دامت توفیقاته

با سلام و تحیت دیروز نامه‌ای منسوب به جنابعالی ملاحظه کردم که در آن از برخی اوضاع کشور از جمله رواج فسادهای اخلاقی و مالی و وجود تبعیض میان طبقات مردم و استفاده‌های نامشروع برخی از اصحاب مناصب حکومتی یا روحانی شکوه کرده‌اید.

اینها مطالب حقیقی است که اینجانب در چند سال اخیر بارها در اجتماعات عمومی و نیز در دیدار مسئولان ذیربط درباره‌ی آن هشدار داده و بسیج همه‌ی امکانات را برای مبارزه با فقر و فساد و تبعیض از همه خواسته‌ام. اکنون هم معتقدم جز با جهادی مخلصانه و

برخاسته از احساس درد و احساس خطر، این شجره‌های ملعونه قلع نمیشود و این محتاج همکاری و همصدایی همه بخصوص صاحبان موقعیتهای حکومتی و اجتماعی است. یقیناً از جنابعالی که سوابق ممتدی در انقلاب دارید بیشتر از خیلیها انتظار و توقع داشته و دارم و اکنون که طبق این اعلامیه به این فکر افتاده‌اید آن را به فال نیک میگیرم. امروزه برای رفع مشکلات مردم سه امر محوری وجود دارد، یکی تولید کار و اشتغال برای نسل جوان پر استعداد و پر شمار این کشور است که مشکلات زندگی را از دوش بخش مهمی از مردم ما بر میدارد، دوم مبارزه با فساد اقتصادی در دستگاهها است که اگر عزم همگانی بر آن قرار نگیرد همه‌ی تلاشهای دولت کنونی و دولتهای قبلی را خنثی و دستاوردهای نظام مقدس ما را ضایع میسازد و فاصله طبقاتی را عمیق و منابع محدود ملی را به خورد متجاوزان به حقوق ملت میدهد. سوم و از همه مهمتر وحدت ملی و یکصدایی مسئولان و خواص است که اگر مخدوش شود هیچ حرکت سازنده به سامان نمیرسد. مردم فداکار و مؤمن ما بحمدالله در زیر پرچم اسلام و انقلاب متحدند. نمونه‌ای از حضور پُر حماسه و پُر انگیزه‌ی مردم در دفاع از نظام اسلامی و اعلام حمایت از مبانی انقلاب را خود جنابعالی در سفر چند ماه قبل اینجانب به اصفهان شاهد و ناظر بودید و پس از آنکه عظمت و هیبت اجتماع مردم مؤمن و غیور و جوانان پر شور و مصمم را در میدان امام و خیابانهای اطراف آن به چشم خود دیدید به اینجانب گفتید که من از اوایل انقلاب چنین جمعیت متراکم و پرشوری در این میدان عظیم ندیده‌ام. مردم بر خلاف تحلیل تعداد انگشت شمار اشخاص مغرض یا فریب خورده، پشتیبان نیرومند انقلاب و اسلام و اماماند. کسانی که بر اثر تلقین اطرافیان ناباب و نامطمئن پنداشته‌اند که نظام جمهوری اسلامی دوران ضعف و انحلال را میگذرانند، خودشان در دوران ضعف و انحلالند. دشمنان سوگند خورده‌ی انقلاب که یکرز هم با امام و امت دل صاف و مهربان نداشته‌اند با این تلقین‌ها میخواهند مردم را مأیوس، جوانان را گمراه، و بعضی پیران موجّه ولی بیخبر را مدّعی امام و انقلاب کنند. در چنین شرایطی حرف زدن و اقدام کردن هوشیاری بیشتری میطلبد و اندک غفلتی دشمنان داخلی و خارجی را در سوءاستفاده و سوء نیت خود گستاخ میسازد و جفای بزرگی به این ملت مظلوم است. از همین رو، روزی که اطلاعاتی منسوب به جنابعالی صادر شده ضدانقلاب که در زیر سایه‌ی آمریکا و اسرائیل با پول آنها زندگی و تغذیه میکند بیشترین سوءاستفاده را از آن کردند و آن را مقابله با سیاستهای امام راحل و نفی و رفض نظام اسلامی و شعارهای آن وانمود کردند. البته بنده با سابقه‌ی رفاقت و آشنایی با جنابعالی و اطلاع از سوابق ممتدتان در انقلاب و نیز اطلاع از محبتی که همواره نسبت به اینجانب ابراز کرده‌اید چنین برداشتی نمیکنم ولی کسانی که سخن شیطان را باور کنند و فریب آن را بخورند نیز وجود دارند. این باید موجب شود که همه‌ی ما در گفتار و اظهار خود هوشیاری و دقت و اخلاص بیشتری به کار گیریم و نگذاریم وحدت و انگیزه این ملت بزرگ و قهرمان خدای نخواستہ با غفلت ما مخدوش شود. آمریکا برای عملی کردن تهدید خود در ایران تنها کمبودی که دارد وجود یک پایگاه مستحکم مردمی است که بتواند با استفاده از آن انتقام خود را از انقلاب و اسلام و امام بگیرد و برای سرکوب این ملت آزاد و شجاع، یک دیکتاتوری سیاه شبیه دیکتاتوری پهلوی در این کشور مستقر کند. البته این خواب بی تعبیر و خیال احمقانه‌ی آنان مانند تحلیلهای غلط همیشگی‌شان نسبت به مسائل کشور، برای آنان جز خسران و یأس چیزی به بار نخواهد آورد. مهم آن است که خواص ملت نگذارند هیچ حرکت و اقدام آنان در خدمت آن هدف شوم قرار گیرد. در باب فساد اقتصادی خوب است همه از اطرافیان و منسوبان خویشاوندی و شخصیتی خود شروع کنند. فساد را فقط در اشخاص دور دست نبینند، بلکه در نزدیکان خود و اشخاص ظاهراً مورد اعتماد خود هم آن را حس و با آن مبارزه کنند. بلای گرفتاری در مُشت اطرافیان نامطمئن موجب شد که یکی از یاران و شاگردان نزدیک امام در اواخر عمر آن یگانه‌ی زمان، مطرود ایشان واقع شود و او را از دخالت در امور سیاسی منع شرعی کنند و باز اگر آن شخص به این تصمیم و اخطار حکیمانه‌ی استاد و مراد خود عمل میکرد یقیناً مشکلات بعدی را برای خود و کشور به وجود نمی‌آورد.

اینجانب جفای به خودم را فراموش نمیکنم اما همه باید از امام راحل عظیم خود آموخته باشیم که جفای به ملت و تلاش برای سست کردن بنیان نظام اسلامی قابل بخشش نیست.

در پایان از مردم عزیز و وفادار و مردان و زنان مؤمن و غیور اصفهانی و بخصوص از فرزندان انقلابییم میخواهم که همه‌ی سعی خود را در حفظ آرامش شهر و محیط نماز جمعه‌ی اصفهان بکار برند و از هر شعار و حرکتی که موجب تشنج و اختلاف و دودستگی شود جداً پرهیز کند. بیشک یکی از مهمترین هدفهای دشمن ایجاد هرج و مرج و آشفتگی و درگیری میان اقشار ملت است. با کمال هوشیاری از تحقق این خواسته‌ی دشمنان زبون و ابله و پلید، جلوگیری کنید.

اکنون که جناب آقای طاهری از امامت جمعه کناره گرفته‌اند مانند ماههای گذشته که ایشان به خاطر ابتلائات جسمانی در نماز حاضر نمیشدند جناب حجة الاسلام آقای حاج سید علی قاضی عسگر و جناب حجة الاسلام آقای حاج شیخ محمد تقی رهبر امامان جمعه‌ی موقت اصفهان، نماز جمعه را با متانت و استحکام و شکوه فراوان برگزار کنند. اینجانب از کسی شکوه نمیکنم و به مدد الهی اطمینان دارم و به خاطر عزم مؤمنانه‌ی این ملت بزرگ و عظمتی که در هنگامه مشکلات از خود نشان میدهند جبهه‌ی سپاس بر درگاه الهی میسایم و اگر شکوه‌ای در دل باقی بماند به درگاه ولی الله اعظم (ارواحنا فداه) عرضه خواهیم کرد.

والسلام علی جمیع عبادالله الصالحین - سیدعلی خامنه‌ای - ۱۳۸۱/۰۴/۲۰

۳ پیوست ۳: پیام رهبری در پی درگذشت مرحوم طاهری

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در پی درگذشت آیت‌الله حاج سید جلال‌الدین طاهری اصفهانی پیام تسلیتی صادر نمودند.
متن پیام به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

درگذشت عالم مجاهد مرحوم مغفور آیت‌الله آقای حاج سید جلال‌الدین طاهری اصفهانی را به همه‌ی علاقمندان به‌ویژه خاندان محترم ایشان تسلیت می‌گویم. ایشان پس از انقلاب، نخستین امام جمعه‌ی اصفهان بودند که سال‌ها در این مسند ادای وظیفه نمودند و یکی از فرزندان ایشان به شرف شهادت نائل آمدند. از خداوند متعال مغفرت و رحمت واسعه و علو مقام برای آن مرحوم و فرزند شهیدش مسألت می‌نمایم.

سید علی خامنه‌ای

۱۳ خرداد ۱۳۹۲